

آموزش نظامی در ارتش سوئد (۱)

مترجم: هیرید دانیالی

مقدمه

ارتش سوئد بر پایه سیستم نظام و وظیفه عمومی استوار شده است. کلیه افراد ذکوری که از لحاظ جسمی توانایی داشته باشند، بین سنین ۱۸ تا ۴۷ سال مشمول خدمت نظام وظیفه می باشند. هر ساله حدود ۴۰ هزار جوان مشمول برای گذراندن آموزش های نظامی ویژه خویش به خدمت فرا خوانده می شوند. طول این دوره بین ۳۰ هفته تا ۱۵ ماه می باشد که به شغل آنان در جنگ آینده بستگی دارد. در آموزشهای تکمیلی و بازآموزی (تقویتی) سالانه حدود ۱۰۰ هزار مشمول و افسر شرکت دارند. تمام آموزشها در چارچوب واحدهای رزمی برنامه ریزی شده است. در این راستا، انجام تحقیقات اجتماعی و آموزشی مدرن باعث پیشرفت اصول مدیریت و آموزشی شده است.

ارتش سوئد گذشته ای درخشان در جنگهای اروپا داشته است. بنیان ارتش ملی برای اولین بار توسط "گوستاو اول" (۲) از "واسا" (۳) به سال ۱۵۴۴ بنیاد نهاده شد و در طول دو قرن بعد توسعه یافت. از سال ۱۸۱۵ تا به امروز سوئد در صلح به سر برده است و سیاست امنیتی کشور مبنی بر ایده عدم تعهد در زمان صلح و بیطرفی در زمان جنگ قرار دارد.

سوئد با داشتن مرزی به طول حدود ۱۸۰۰ کیلومتر یعنی نیمی از جبهه بین پیمانهای نظامی اروپا موقعیت استراتژیک مهمی را کسب کرده است و این در حالی است که

۱- متن حاضرتر جمه ای است از فصل چهارم کتاب *The educating of armies* که توسط Michael D. Stephens جمع آوری و تنظیم گردیده است و به سال ۱۹۸۹ توسط انتشارات St. Martin در آمریکا به چاپ رسیده است. مقاله توسط Bjorn Swardenheim نوشته شده است.

فاصله مشابهی بین کپنهاگ و ناپل وجود دارد.

ایجاد یک نظام امنیت با قدرت بسیج سریع و مطمئن به منظور دفاع از کشور امری ضروری است. طرحها و دستورات از پیش آماده می شوند و هر کسی می داند که در زمان بسیج همگانی به چه محلی خود را معرفی کند. واحدهای جنگ در بیش از ۵۰۰۰ آمادگاه بسیج که در سرتاسر کشور گسترش یافته اند مجهز شده و بتوانند بر اساس نوع مأموریت در عرض چند ساعت تا چند روز برای جنگ آماده شوند. در صورت اجرای بسیج کامل، ارتش حدود ۸۰۰ هزار مرد و ۳۵ هزار زن را در بر می گیرد. آموزش حراست داخلی و داوطلبانه با جذب حدود یک میلیون عضو شرکت کننده در برنامه های آموزشی آخر هفته بسیار گسترده می باشد. ارتش همچنین، سالانه واحدها و متخصصینی را برای فعالیت در عملیات گروههای حافظ صلح سازمان ملل آموزش می دهد.

آموزش نظامی برای دفاع از ملت سوئد نه تنها یک وظیفه، بلکه، یک حق دموکراتیک است. سوئد با شعار "یک نفر - یک اسلحه - یک رای" دارای سیستم کامل پارلمانی در ابتدای قرن جاری گردید. هر متجاوزی باید بداند که یک ملت متحد در پشت این اصول، بر بیانیه های سیاسی خویش که می گوید: "ما می خواهیم، می توانیم و باید که از خودمان دفاع کنیم"، ایستاده است.

ارتش سوئد در گذشته

در طول قرون وسطی واحدهای ارتش از سربازان محافظ پادشاهان و مردان بزرگ تشکیل شده بود. اما، قسمت عمده همواره بر سربازان پیاده بسیج روستایی استوار بود که در زمانهای جنگ برای دفاع از کشور فرا خوانده می شدند.

همانطور که ذکر شد، اساس ارتش ملی سوئد توسط "گوستاو اول" (۴۴-۱۵۲۱) به سال ۱۵۴۴ بنیان نهاده شد. سیستم استخدام در آن زمان چیزی بین فراخوانی نیروهای داوطلب و سربازگیری بود؛ واحدهای بیشتر تنها در زمانی تشکیل می شدند که بیم خطر جنگ می رفت.

"گوستاو دوم"^(۱)، آدولف^(۲) (۳۲-۱۶۱۱) ساختار نیروهای مسلح را بسرعت توسعه داد و ارتش جدید با تاکتیکی جدید معرفی شد. در طول جنگهای سالیان

۱۳ - ۱۶۱۱ روستائیان استان " دارلکارلیا"^(۱) به پادشاه قول دادند که نیروی ثابتی متشکل از ۹۰۰ مرد مسلح را فراهم آورند تا دیگر لزومی به انجام تشریفات نظام و وظیفه نباشد. این نوع استخدام چند قرن در ارتش سوئد باقی ماند. به افراد این ارتش ثابت بعنوان پاداش قول واگذاری زمین و مزرعه داده شده بود که بیشتر جنبه مستمری و تأمین زندگی داشت. قرار بود این سیستم یک فرم استاندارد باشد و کل ارتش را در برگیرد که به اصطلاح، "موسسه سهامی"^(۲) نامیده می شدند. اما جنگ ۳۰ ساله این اصلاحات را به تعویق انداخت. اکثر هنگ ها در زمان "گوستاو آدولف دوم" ایجاد شده بودند که از میان آنان، هنگ سلطنتی کرونبورگ"^(۳) را میتوان نام برد که به سال ۱۶۲۳ میلادی تأسیس شد. (این هنگ های استانی هنوز اساس آموزش نظامی ارتش سوئد را تشکیل می دهند) و بدین ترتیب سوئد به یکی از قدرتهای بزرگ نظامی در اروپا تبدیل شد.

"چارلز یازدهم"^(۴) پدر "چارلز دوازدهم"^(۵) "پادشاه سلحشور"^(۶) همان تشکیلات را که رسماً در سال ۱۶۸۲ تأسیس یافته بود، ادامه داد. هر استان یک هنگ پیاده نظام متشکل از ۱۲۰۰ نفر (در ۸ گروهان) تشکیل داد و تمام دهکده ها به نواحی که شامل دو یا سه مزرعه می شدند، تقسیم گردیدند که هر یک از این مزارع را یک سرباز نگه می داشت و به او زمین قابل کشتی نیز داده می شد. اغلب پسران جوانتر روستائیان که مزرعه ای به ارث نمی بردند، به سربازی می رفتند. این امر دارای یک سری نتایج مثبت اجتماعی بود که یگانگی و وحدت دراز مدتی را بین مردم و ارتش سوئد ایجاد می نمود. بندرت از ارتش علیه مردم استفاده می شد، یعنی آن چیزی که مرتباً در اروپا اتفاق می افتاد. زیرا سرباز ها فرزند دهکده بودند یعنی جایی که در زمان صلح در آنجا زندگی می کردند و توسط فرماندهان هنگ مربوطه برای حدود یک ماه در سال آموزش می دیدند. در طول جنگ آنها فردی دنیا دیده می شدند که هنگام بازگشت به خانه چیزی برای گفتن داشتند.

1 - Darle car lia

2 - indelningsverk (The , dividing institution)

3 - Royal Kronobergs

4 - Charles XI

5 - Charles XII

6 - Warrior King

بعدها آنها اغلب به فردی مهم تبدیل می شدند و از معدود افرادی بودند که می توانستند بخوانند و بنویسند و همچنین به عنوان یک معلم مدرسه و مسئول به صدا در آوردن ناقوس کلیسا انتخاب می شدند. این مسائل مربوط به چند صد سال قبل از اینکه مدارس ملی معرفی شوند، می شدند، بدین ترتیب ارتش سوئد دارای نقش فرهنگی مهمی در کشور بوده است.

کسانی که به همین نحو مسئول فراهم نمودن سواره نظام بودند از مالیات معاف می شدند. این ساختار به سال ۱۹۶۵ تکمیل شد و ۱۵ هنگ پیاده نظام و ۸ هنگ سواره نظام در سوئد، ۷ هنگ پیاده نظام و ۳ هنگ سواره نظام در فنلاند (که از قرن سیزدهم تا سال ۱۸۰۹ جزئی از کشور سوئد بود) تأسیس گردید. با این ارتش و یک نیروی دریایی قابل ملاحظه، سوئد در اوج قدرت نظامی خویش در طول سلطنت چارلز دوازدهم (۱۷۱۸ - ۱۶۹۶) قرار گرفت. اما، این دوره همچنین شاهد آغازی بر سقوط سوئد به عنوان یک قدرت بزرگ در اروپا بود.

در طول جنگ سالهای ۱۸۰۸ - ۱۸۰۹ بر علیه روسیه، روش (سیستم سهمیه) به گونه ای غیر رضایت بخش درآمد. لایحه سربازگیری به سال ۱۸۱۲ از تصویب «ریکسداگ»^(۱) (یا پارلمان سوئد) گذشت. آموزش سربازان وظیفه علاوه بر موسسه قدیمی در یک مقیاس پائین آغاز شد. در اروپا جنگ های ناپلئونی هم چنان ادامه داشته که فشار آن بر دوش توده مردم بود. از سال ۱۸۱۵ تاکنون سوئد از مزایای زندگی آرام به نحو احسن استفاده کرده است. در این میان حتی یک آزمایش واقعی در مورد سیستم ارتش قدیم صورت نگرفت و لذا توانست اثرات تغییرات سریع پیشرفت نظامی در سوئد را در طول زمان باقی مانده قرن نوزدهم حفظ کند.

به سال ۱۹۰۱ پارلمان سوئد تصمیم گرفت که نظام وظیفه عمومی یک دوره آموزش ۸ ماهه را برای آموزش بیشتر سربازان به اجرا گذارد که پس از وقوع جنگ جهانی اول دوره آموزش به ۱۲ ماه افزایش یافت. در سال ۱۹۲۵ هنگامی که شعار "دیگر جنگ بس است" بر صحنه سیاست غلبه یافت، ۱۷ هنگ و لشکر از هم پاشیده شد و آموزش به گونه ای قابل ملاحظه کاهش یافت. اگر چه لایحه دفاعی سال ۱۹۳۶ یک بار دیگر تقویت

بنیه ارتش را آغاز نمود؛ اما، ارتش تنها برای چند سال در جنگ جهانی دوم قدرت یافت. در ابتدای دهه ۴۰ میلادی ارتش چیزی حدود ۴۰۰ هزار نفر را شامل می شد. به سال ۱۹۴۲ بر اساس تصمیم پارلمان کلیه مردان بین ۲۰ تا ۴۷ سال مشمول خدمت سربازی عمومی برای یک دوره آموزش ۱۵ ماهه شدند.

شماری از اصلاحات صورت پذیرفت. فرماندهی های نظامی و نواحی دفاعی سازمان یافتند. سازمان جنگ تقریباً با تکیه خاص بر تحرک و قدرت آتش، قدرتی دوچندان یافت. آموزش نظامی به آموزشهای پایه به مدت ۱۲ ماه و ۳ دوره آموزش بازآموزی هر کدام به مدت یک ماه تقسیم شده بود. سازمان های آموزشی جدید نیز به منظور تأمین نیاز های تازه توسعه پیدا کردند. در سال ۱۹۴۸ باز سازی ارتش کامل شده و اصلاحات سازمانی جدید با تشکیل تیپ ها به عنوان واحد های صحرائی مستقل آغاز شد.

این وقایع و تجارب بایستی به ما بیاموزد که باز سازی یک ارتش تنها در زمان تهدید نظامی و یا سیاسی کافی نیست؛ چرا که شاید آن روز بسیار دیر باشد....

ارتش سوئد در حال حاضر

- سیاست امنیتی

سیاست امنیتی سوئد همچون سایر کشورها با هدف حفظ استقلال کشور شکل گرفته است. بر این اساس، سیاست امنیتی ما باید در جهت محافظت از آزادی عمل ملی در انجام کارهای لازم در هر موقعیتی و به شکلی که خودمان انتخاب می کنیم، بوده و همچنین در جهت حفظ و توسعه اجتماعمان از جهات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در هر مورد دیگری که به ارزش های ما مربوط باشد و همچنین تلاش برای تسهیل نمودن نقش های بین المللی و پیشرفت های صلح آمیز در جهان، صورت بگیرد.

پارلمان سوئد این اهداف سیاست امنیتی را در سال ۱۹۶۸ تصویب و در سالهای ۱۹۷۲، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲، ۱۹۸۷ تأیید نمود. یکی از اصول سیاست امنیتی، عزم ما برای دفاع از خودمان بدون وارد شدن به اتحادیه های نظامی سایر ملل می باشد. هدف، دوری از کشیده شدن در جنگ است. یکی از راههای ما برای دستیابی بدین منظور دفاع نظامی

است. این دفاع بایستی آنچنان قدر تمند باشد که از تهاجمات احتمالی جلوگیری نماید. از نظر ما اجرای این طرحها نیازمند منابع عظیمی می باشند و مدت زمان طولانی است که تمام سوئد را در بر گرفته و منافع کشور را تأمین می نماید و ارزشهای سیاسی، هر گونه اعمالی از این قبیل را غیر قابل توجیه می کند.

سیاست دفاعی سوئد توسط اکثریت برتر مردم حمایت می گردد. نظر خواهی ها نشان می دهند که ۸۰ درصد جمعیت سوئد بر این عقیده اند که ما باید مقاومت مسلحانه را در زمان حمله، حتی زمانی که نتیجه مشخص نباشد، ارائه بدهیم. در حدود ۸۵ درصد معتقدند که مردان سوئدی بایستی خدمت نظام و وظیفه را انجام دهند. همچنین یک توافق جامع بین احزاب سیاسی در ضرورت دفاع قوی و قدرتمند سوئد وجود دارد. دیگر نشانه عزم سوئدی ها، دفاع از کشور می باشد که بایستی حمایت قوی نیروهای داخلی و دفاع داوطلبانه سازمانها را با بیش از یک میلیون عضو در پشت سر خود داشته باشد. سوئد کشوری بزرگ و کم جمعیت میباشد. این موضوع یک سری محاسن استراتژیک را بوجود می آورد، ولی مشکلاتی را نیز در پی دارد. برای آنکه بهتر این موضوع را متوجه شوید، به مقایسه زیر توجه کنید.

ردیف	نام کشور	مساحت	جمعیت (۱)
۱	سوئد	۴۴۹/۲۰۰ کیلومتر مربع	۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر
۲	آلمان غربی، سوئیس، اتریش، هلند و بلژیک با هم	۴۳۷/۹۰۰ کیلومتر مربع	۱۰۰ میلیون نفر

« جدول ۱-۴ »

و این چنین موقعیتی، ارتشی با تحرکی گسترده و واحد های جنگنده بیشمار را می طلبد.

- نیروهای دفاعی

کل دفاع سوئد شامل نیروهای دفاعی ارتش بالغ بر ۸۵۰/۰۰۰ نفر، دفاع غیر نظامی ۲۵۰/۰۰۰ نفر، دفاع اقتصادی ۲/۵ میلیون نفر و دفاع روانی دهها هزار نفر را شامل می‌شوند. هنگامی که یک عملیات کامل صورت می‌گیرد، سیستم دفاعی بسیج کل نیروهای بزرگسال کشور را نیز در بر می‌گیرد.

کلیه نیروهای مسلح تحت فرمان عملیاتی فرماندهی عالی هستند و فرماندهان نظامی نیز از وی فرمان می‌گیرند. آنها هستند که تصمیمات لازم برای حفظ آمادگی و شرکت در رزم برای نیروهای کل ارتش را اتخاذ می‌کنند.

ستاد نیروی زمینی، نیروهای دریایی و هوایی، مسئول توسعه و پیشرفت (تحقیقات و طرح ریزیهای دراز مدت) و ایجاد آمادگی (پرسنل، تجهیزات، سازمان، تاکتیک، آموزش نظامی، بسیج، طرح‌ها، بودجه و عملیات سازمان ملل) و دادن دستورات مربوطه برای فرماندهان نواحی و مناطق می‌باشند.

- سازمان جنگی نیروی زمینی

سازمان جنگ شامل ارتش صحرائی و واحدهای دفاع محلی می‌گردد.

ارتش صحرائی تشکیل شده از: *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

پرتال جامع علوم انسانی

- تیپ‌ها

- تیپ‌های پیاده

- تیپ‌های اراضی شمال (نیروهای ویژه مناطق پوشیده از برف)

- تیپ‌های مکانیزه

- تیپ‌های زرهی

- و گردانهای لشکری شامل: گردان‌های (ضد هوایی، مهندسی، پشتیبانی

لجستیکی و قرارگاهها و ...).

- گردان‌های مستقل (رنجرها و گردانهای زرهی و پیاده).

- نیروهای محلی شامل:

قرارگاه‌های دفاع محلی

- گردان های دفاع محلی (موتوریزه)

- گروهانهای دفاعی استحکامات

- نیروهای گارد داخلی

سرباز گیری های محلی این واحدها را بوجود آورده و بخصوص برای یک بسیج سریع آماده میسازند، یک بسیج کامل از ارتش شامل مجموع بیش از ۸۰۰/۰۰۰ مرد و ۳۵ هزار زن می گردد. از این عده، نیروهای گارد داخلی شامل حدود ۱۰۰/۰۰۰ مرد می باشند که کلیه تجهیزات را در منزل نگه می دارند. پس از ۱ تا ۲ ساعت نیروهای محافظ داخلی می توانند در منطقه خویش بطور کامل وارد عملیات شوند.

- سیستم بسیج

ارتش هیچگونه نیروی ثابت به مفهوم بین المللی آن ندارد، لذا برای آنکه قادر باشد از کشور در مقابل تجاوزات دفاع نماید وجود یک سیستم مطمئن و سریع برای بسیج امری ضروری است. این مسئله همچنین تاثیر ویژه ای بر آموزش نظامی دارد. سیستم بسیج بر اساس نیازمندیهای زیر استوار است.

*** واحدهای جنگ بایستی برای عملیات فوری پس از بسیج همگانی آماده باشند**

آموزش نظامی در تمام رسته های خویش بایستی در واحدهای جنگ از آغاز صورت گیرد و همچنین شامل تمرین های خاصی برای بسیج همگانی می باشد. تا آنجا که ممکن است آموزش نظامی بایستی تحت شرایط آب و هوایی و زمین شبیه به مناطق احتمالی عملیاتی صورت گیرد.

*** فرماندهی غیر متمرکز**

بسیج بایستی قادر باشد حتی در نبود رهبری جنگ نیز به کار خویش ادامه دهد، و در این راستا گردان ها و تیپ ها در کنار یکدیگر قرار می گیرند. فرماندهان یگانهای صحرائی قادر هستند و (حق قانونی دارند) که پس از اعلام بسیج همگانی بدون نیاز به دریافت دستورات دیگر، خود، طرح بسیج را در منطقه مربوطه به اجرا در آورند؛ طرحهای دقیق که با شرایط محیطی تطابق داشته باشد، در زمان صلح موثر بوده و برای تمام موارد تجویز می گردد.

* آسیب پذیری محدود

طبق یک قاعده کلی، تجهیزات نظامی در تمام سطح کشور و در بیش از ۵۰۰۰ مخزن بسیج در یگانهای سطح گروهان و یا گردان انبار می شود. انبارها دائماً توسط بازرسان و پلیس محلی و فرماندهان مورد کنترل و بازرسی قرار می گیرند. در مواقع اضطراری، نگهداری تشدید می شود، نیروهای محافظ داخلی پس از ۱ تا ۲ ساعت در محل حاضر می شوند و واحدهای آموزشی خاص نیز مورد استفاده قرار می گیرند. محافظین مخصوص وابسته به واحدهای جنگ در نزدیکی محل بوده و در وظیفه محافظت و آمادگی برای بسیج سریع شرکت می جویند. تجهیزاتی که از اهمیت خاصی برخوردارند و نیز مخازن مهمات فوراً به منظور جلوگیری از خرابکاری پراکنده می شوند. این فعالیتها همواره در زمان صلح تمرین می شوند.

* درجه بالای امنیت

کلیه پرسنلی که در زمان جنگ دارای مسئولیتی هستند، در منزل خود یک دستور جنگی را دریافت می کنند که در آن مشخص می گردد که شخص در چه محلی خود را معرفی و حضور بهم رساند. این فراخوانی می تواند از طریق پست، رادیو و یا تلویزیون صورت پذیرد. اگر حمله ای غافلگیرانه و بدون اعلام اولیه آغاز شود، آماده باش بوسیله آژیرها، سوت کشتی ها، کارخانجات و تلفن ها در تمام سطح کشور صورت می گیرد. این مراحل بدقت در راهنمای تلفنی که در دسترس عموم بوده و در بیشتر منازل وجود دارد، توصیف می گردند. سربازگیری محلی نیز در برقراری امنیت بسیار مهم می باشد. پارلمان اعلام کرده است که در زمان صلح، تمام پیامها مبنی بر قطع مقاومت و توقف بسیج همگانی نیروها جعلی تلقی خواهد شد. این بیانیه ها نیز در راهنمای تلفنی یافت می شوند.

- اساس آموزش نظامی ارتش

- سربازگیری عمومی

همانطور که ذکر شد، سوئد کشوری بزرگ و کم جمعیت است. در جهت افزایش شمار واحدهای صحرایی کافی در سراسر کشور سربازگیری عمومی برای تمام مردانی

که از قدرت جسمانی خوبی برخوردارند، ضروری می باشد. امروزه تمام مردان بین ۱۸ تا ۴۷ سال مشمول خدمت نظام وظیفه می باشند. این نه تنها یک وظیفه بلکه یک الزام دموکراتیک در جهت شرکت در دفاع از کشور می باشد.

هنگامی که سربازگیری عمومی به سال ۱۹۰۱ صورت گرفت؛ این مهم به عنوان بخش مهمی از مبحث سیاسی برای توسعه یک سیستم کامل انتخابات دموکراتیک تبدیل شد که سوئد در آن زمان از داشتن آن محروم بود.

- بسط آموزش نظامی در ارتش

کلیه آموزشهای نظامی ارتش بر سربازگیری عمومی استوار است. هر ساله در حدود ۵۰ هزار مرد جوان در جهت تشکل نیروهای دفاعی سربازگیری می شوند. از این بین حدود ۴۰ هزار نفر تحت آموزشهای خاص ارتش می باشند. بطور طبیعی هر ساله بیش از ۱۰۰ هزار نفر سرباز در دوره های بازآموزی خود شرکت می کنند. با این حال در سالهای اخیر در اکثر مواقع، موقعیت اقتصادی اجازه نداده که آموزشهای نظامی در چنین مقیاسی صورت بگیرد. همه آموزش افسران (عادی، احتیاط، وظیفه) نیز بر سربازگیری عمومی استوار است. هر شخص بایستی نخست به عنوان یک سرباز عادی خدمت خویش را شروع کند و می تواند پس از طی آموزشهای اساسی تا تحصیلات افسری ادامه دهد. این امر در حدود ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ مرد را در سال در بر می گیرد. آموزش نظامی نیروهای محافظ داخلی (که یک نیروی داوطلب می باشد و در حدود ۱۰۰ هزار نفر می باشند) بر طبق قاعده در روزهای آخر هفته انجام می شود. سازمان های داوطلب و کمکی بخش بسیار مهمی از نیروهای دفاعی را تشکیل می دهند که جمعا حدود یک میلیون نفر عضو دارند.

- سازمان آموزش نظامی

آموزش نظامی ارتش توسط شعبات آن در رسته های مختلف به مورد اجرا گذاشته می شود که شامل پیاده، سواره نظام (رنجرها)، نیروهای زرهی، توپخانه، دفاع ضد هوایی، مهندسی یگانهای مخابراتی و یگانهای آماده ارتش می گردند. این واحدهای آموزش در قالب ۶۰ هنگ و آموزشگاه خلاصه می شود (در سوئد هر

هنگ بصورت یک نهاد آموزشی بوده و دیگر یک واحد رزمی به شمار نمی آید) و عبارتند از:

- هنگ های دفاعی بخش

- هنگ های آموزشی

- مدارس رسته ای

فرمانده یک هنگ دفاعی بخش (سرهنگ تمام)، فرمانده بخش در زمان جنگ نیز بوده و مسئولیت بسیج و طرحهای جنگی در بخش مربوطه و هماهنگی طرحهای نظامی به همراه مسئولان غیر نظامی و استاندار را بر عهده دارد. معاون وی (سرهنگ دوم) اگرچه او را در زمان صلح یاری می دهد ولی در اصل فرمانده آموزش نظامی در تمام واحد های ناحیه می باشد که نیروهای محافظ داخلی و سازمانهای داوطلب را که در کل ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر را در بر می گیرد، شامل می گردد. او همچنین مسئول برخی آموزشهای عمده از جمله آموزش سالانه حدود ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ سرباز وابسته به هر رسته و آموزشهای تکمیلی سالانه حدود ۳ تا ۵ هزار نفر، می باشد. همچنین بر طبق مقررات او فرمانده تیپ درون سازمان جنگ می باشد. در تمامی آموزشها او توسط فرماندهان واحدهای جنگ در سطوح مختلف حمایت می شود.

همچنین بر اساس مقررات، فرمانده هنگ آموزشی (سرهنگ دوم) به رسته های ویژه تعلق دارد. علاوه بر این، وی مسئولیت آموزش پایه و بازآموزی واحد های رسته مربوط به خود را در جهت اجرای یک یا چند فرمان نظامی عهده دار می باشد. اگر او از رسته توپخانه باشد ممکن است فرمانده توپخانه لشکری در سازمان جنگ و یا پست مشابه آن را بر عهده داشته باشد.

یک بخش عمده از تسهیلات آموزشی، آموزش تیر اندازی و میدانهای تیراست. موقعیت سوئد از این جنبه در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر بسیار خوب می باشد. در مناطق آموزشی ما می توانیم تمرینات رزمی واقعی را با مهمات جنگی و کالیبر بزرگ انجام دهیم.

هر هنگ یک یا چند مکان مخصوص آموزش تیراندازی برای خودش در اختیار دارد.

سوئد دارای ۷۸ میدان تیر می باشد. بزرگترین آنها "آلوادلن" (۱) می باشد که متعلق به مدرسه تیر اندازی توپخانه (Artss) (۲) با حدود ۵۴ هزار هکتار (معادل ۱۳۵ هزار جریب) مساحت می باشد و کوچکترین آنها ۴۰ هکتار مساحت دارد. یک میدان طبیعی برای یک هنگ پیاده نظام و زرهی بایستی ۳۶۰۰ تا ۴۰۰۰ هکتار مساحت داشته باشد.

در آموزش نظامی تیپ ها، تمام هنگ های نظامی شرکت دارند. آموزش نظامی واحد ها بایکدیگر هماهنگ می باشد، بطوری که یک تیپ خاص تمام واحد های ویژه خویش در آموزش نظامی پایه همان سال را دارا می باشد و به همین خاطر این امکان حاصل می شود که آموزش تیپ ها بطور همزمان انجام پذیرفته و نیز انجام مانور های نهایی که بر طبق معمول مقام ارشد فرماندهی نظامی هدایت آنرا به عهده دارد، صورت گیرد برای هماهنگ نمودن تلاشهای آموزش نظامی در یک تیپ، فرمانده تیپ (سرهنگ تیپ) این حق را دارد که به فرماندهان هنگ رسته ای دستور بدهد که واحد ها چگونه تحت آموزش قرار گیرند. برای آموزش گروهان قرارگاه، شناسایی، گروهانهای ضد تانک، پیاده نظام یا گردانهای زرهی (مکانیزه)، او خود مسئولیت هنگ خویش را دارا می باشد.

- سیستم آموزش

- اصول

هدف آموزش های پایه، آمادگی افراد برای انجام وظائف زمان جنگ می باشد و آموزش نظامی در واحد های مختلف را شامل می گردد. هدف بازآموزی حفظ ظرفیت برای انجام عملیات فوری می باشد. بر اساس استانداردهای بین المللی دوره آموزش پایه کوتاه می باشد. قاعدتاً واحدها برای بازآموزی چهار سال پس از طی آموزش نظامی پایه و اولیه، گرد هم می آیند. گروهان ها و دسته ها تحت فرمان فرماندهان تعیین شده، قرار می گیرند. این فرماندهان پیش از سایر پرسنل واحد احضار تا طرحهای تمرین را تهیه کنند. فراخوانی بیشتر سربازان وظیفه اغلب شکل تمرین بسیج را به خود می گیرد. واحدهای بسیجی در روستاهایی که تجهیزات صحرائی خویش را دریافت

داشته‌اند، گرد هم می‌آیند. در این حالت افراد با نقطه بسیج مربوطه آشنا شده و در شرایط هر چه واقعی‌تر، تحت آموزش قرار می‌گیرند. دوره‌های آموزشی واحدهای صحرایی شامل مانور، به همراه واحدهایی از سرویس‌ها و رسته‌هایی می‌باشد که با هم آموزش می‌بینند. سیستم بازآموزی شامل پنج دوره آموزشی یگانی می‌شود. دو یا سه دوره اول در واحدهای صحرایی انجام گشته و بقیه در واحدهای دفاعی محلی صورت می‌گیرند. هنگامی که سربازان وظیفه به واحد‌های دفاع محلی منتقل شوند، آنها مجدداً تحت تعلیمات خاصی قرار می‌گیرند. افسران واحدهای صحرایی نیز تمرینات خاصی را در طول مدت زمان آموزشهای واحد‌های کادر می‌گذرانند. یگانهای صحرایی که قرار است در مدت کوتاهی بسیج شوند، تمرینات خاص بسیج را بین دوره‌های آموزش یگان‌های کادر، انجام می‌دهند. آن دسته از کسانی که بخواهند، می‌توانند مهارتهای نظامی خویش را با شرکت داوطلبانه در دوره‌های درسی آموزشی توسعه و بهبود بخشند.

اولین ماههای آموزش پایه اختصاص به آموزش نظامی عمومی و همچنین آموزش خاص اولیه دارد. این دوره که پس از آموزش پایه تشکیل می‌شود، به فرماندهان دسته‌ها و جوخه‌ها و مشاغل با توجه به افزایش تدریجی مسئولیتشان واگذار می‌گردد. هدف از آخرین ماههای آموزش ایجاد وحدت و به هم پیوستن یگان‌ها در طول به اصطلاح دوره آموزش پایه یگان صحرایی می‌باشد.

- رهبری و آموزش دهندگان

اصول رهبری بایستی بر پایه موارد زیر استوار باشد.

- محیط نظامی در زمان جنگ و وظائف سنگین

- قواعد عمومی جامعه

- رفتار انسانی در کل

- رفتار فردی در جامعه سوئد

آئین نامه رهبری ارتش، تئوری‌های انگیزه‌راکه یک رهبری مؤثر بایستی بر آن اساس باشد، توصیف می‌کند. به طور مثال تئوری مشهور "نیاز" و تئوری "۲ عاملی" و

تئوری "ایکس-وای-مک گرگور" ^(۱) رامی توان نام برد.

در زندگی عملی انگیزه، بیشتر بر کاربرد تئوری هایی مانند تئوری ارزش / انتظار و یا تئوری پیروزی استوار است. الگوهای رهبری معمولاً بر اساس روشهای مختلفی از جمله وضعیت های اضطراری (شرایط غیر قابل پیش بینی) و مدیریت های شبکه ای به همراه تصمیمات فوری پایه ریزی شده است.

در زمان صلح، سیستم بودجه این برنامه بر اساس اهداف، برنامه ریزی می شود و یکی از اصول عمده مدیریت بحساب می آید. در زمان جنگ از تاکتیکهای ماموریتی استفاده می شود؛ بنابراین روشهای توجیهی برای فرماندهان مورد استفاده قرار می گیرد. فرم رهبری بر فرم آموزش تاثیر می گذارد. هدف این فرمها، خلق فرماندهان واحدهای صحرائی مستقل است. آموزش میانی، آموزشی یک طرفه و کلاسیک می باشد.

در حالیکه، آموزش و پرورش گروهی سطحی فراتر از فعالیت فردی را در بر می گیرد و منظور از آن مسئولیت جمعی و گروهی برای رسیدن به نتیجه است.

اهداف آموزش حل مسئله، پیشرفت در استقلال و تفکر خلاق و سیستماتیک است. این روش اغلب نه تنها در تمام سطوح برای آموزش فرماندهی بلکه در سطوح پائین ترین در آموزش واحدهای جنگ های انفرادی بکار می رود.

- آموزش های پایه

مدت آموزش پایه با توجه به هدف آموزش متفاوت است. به هیچ فردی بیش از آنچه که برای تصدی وظائفی که در جنگ به او محول می شود، و نیاز دارد؛ آموزش داده نمی شود. هر سرباز از ابتدای شروع آموزش یک وظیفه مهم و اساسی زمان جنگ را به عهده دارد. این وظیفه یک تا سه سال قبل از آموزش های پایه با تست های ۲ تا ۳ روزه توسط یک هیئت ویژه مشخص می شود. رده فرمانده دسته دارای دو طبقه است: الف) دوره آموزش ۱۵ ماهه برای کسانی که در پست فرمانده دسته و یا جانشین وی هستند. از بین ۵۰/۰۰۰ نفر تنها ۲/۰۰۰ نفر از بهترین افراد از نظر علمی و فیزیکی به این سمت انتخاب می شوند. این افراد بعد از آموزش با درجه ستوان دومی و وظیفه به

سمت مربی آموزشی سربازان منصوب می شوند و ب) دوره آموزش ۱۲ ماهه برای متخصصین واحدهای قرارگاه در این رده می باشد. در این رده، خدمه تانک از بین افراد انتخاب می شوند. فرماندهان جوخه معمولاً دارای آموزش ۱۰ ماهه می باشند. سربازان رده E برای استفاده از تجهیزات پیچیده و تکالیف ویژه ۱۰ ماهه آموزش می بینند. سربازان رده F و G بیش از ۵۰٪ کل سربازان را تشکیل می دهد و هفت ماه و نیم آموزش می بینند. سربازان رده H که برای حفاظت و کارهای خدماتی آموزش می بینند، دارای هفت ماه و نیم آموزش پایه نیز هستند. این آموزش ها در جهت آموزش تمام گروه های مختلف با یکدیگر در طول دوره واحد جنگ انجام می گیرد.

فرماندهان دسته	اختصاص دوره واحد جنگ
فرماندهان گروه	
فرماندهان جوخه	
سربازان رده E	
سربازان رده F و G و H	

نمودار ۱-۴

بخاطر نیاز به آموزش در شرایط آب و هوایی مناسب و آمادگی بیشتر، آموزش نظامی به چند آموزش فرعی تقسیم می شود؛ بنابراین، آموزش در مناطق شمالی در ماه مارس و در مناطق جنوبی و مرکزی کشور در ماه مه (May) یا اوت شروع می شود. در طول سال دسته های آمادگی ویژه در تاریخهای خاصی جهت انجام مانور عزیمت می کنند. بنابراین در هر وقت سال فرمانده عملیات می تواند در طول آخرین مانور اصلی که برای ماموریت های جنگی انجام می شود واحدهایی را تعیین کند. آموزش اصلی از سه مرحله اساسی تشکیل می شود، آموزش نظامی عمومی، آموزش انفرادی ویژه برای پست ویژه که سرباز بدان گمارده می شود و آموزش یگان (دسته و گروهان). قبل از عزیمت، گروهان ها در گردان و به همین ترتیب گردانها در تیپ آموزش می بینند.

- بازآموزی

بازآموزی یک آموزش رزمی مرکب با رسته های مختلف برای یگان است. بخصوص برای یگانهایی که در طول آموزش مقدماتی قادر به کار کردن با یکدیگر نیستند. مثلاً این آموزش به گردانها و تیپ های پیاده و یگانهای لشکری مثل گردانهای پدافند هوایی، توپخانه و گردانهای لجستیک و مهندسی مربوط می شود. پ بازآموزی می تواند به عنوان تمرینات تیپ و مانورهای نیروهای دفاعی انجام شود. در مانورهای نیروهای دفاعی یگانهایی از نیروهای هوایی و دریایی نیز شرکت می کنند. دوره بازآموزی به صورت یک اصل و قاعده در روش زیرسازماندهی می شود.



طرحها و بودجه بندی
فرمانده گروهان و
گردان در دوره
توسعه ۱ تا ۲ ساله

آموزش یگان

آموزش فرماندهی

F3	F2	F1	B2	B1
----	----	----	----	----

هفته ها

نمودار ۲-۴

هفته B1 = فرماندهان دسته توسط فرماندهان گروهان و گردان آموزش می بینند.
هفته B2 = فرماندهان جوخه توسط فرماندهان ارشدتر از خود آموزش می بینند که عبارتند از فرماندهان رسته و گروهان.

آموزش انفرادی ویژه برای سربازان رده E

هفته F1 = تمرین بسیج نیروها

آموزش انفرادی ویژه برای سربازان

تمرین های گروهان و دسته

هفته F2 = تمرین های گروهان و گردان با مهمات جنگی که با آتش خمپاره انداز و توپخانه اجراء می شود، صورت می گیرد.

هفته F3 = آموزش رزمی کاربردی در قالب تیپ و لشکر

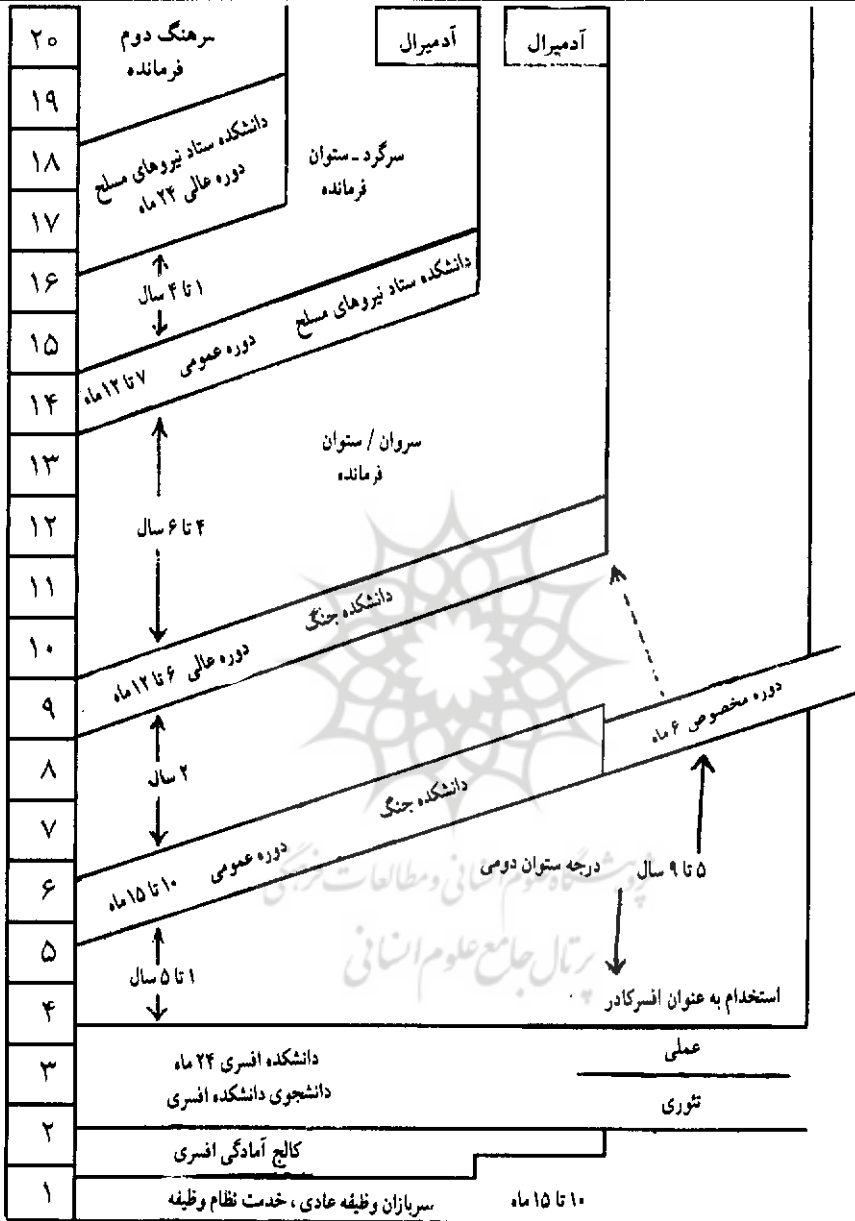
وقتی مانور دفاعی یگان انجام می شود، هفته F1 و F2 در هم ادغام می شود، بنابراین قسمت اصلی هفته های F2 و F3 هم می تواند برای مانورهای بزرگ استفاده شود.

- آموزش افسری

تمام دانشجویان دوره افسری حرفه ای از سربازگیری عمومی پذیرفته می شوند. پس از طی آموزش اجباری فرماندهان دسته و سرجوخه و وظیفه می توانند برای ورود به دانشکده افسری درخواست نمایند.

در سال ۱۹۸۳، سوئد نظام آموزشی جدیدی را برای افسران معرفی کرد. تا آنجائیکه من می دانم، هیچ ارتشی با یک سیستم مشابه در جهان وجود ندارد. بطور خلاصه یعنی اینکه تمام کاندیداهای افسری در یک سطح و مرتبه فرماندهی عالی خود را با درجه داری یا ستوانیاری، در آینده شروع می کند. بعد از دو سال آموزش که یک سال به عنوان تئوری و یک سال به صورت عملی است، به عنوان مربی آموزش هنگ و سپس به طور رسمی به عنوان افسر با درجه ستوان دومی استخدام می شوند.

بعد از آن ادامه کار به تلاش فرد در مطالعات نظامی و غیرنظامی و توانائی وی در کار عملی و آموزش سربازان و یگانهای رزمی بستگی دارد. نمودار ۳-۴ روند پیشرفت کار را نشان می دهد. سمت راست کندترین و سمت چپ سریعترین کار را نشان می دهد. از کل افراد استخدام شده حدود ۵۰٪ می توانند به درجه سروانی برسند. بقیه در مقطع ستوان یکمی باقی می مانند. حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد به درجه سرگردی، حدود هفت درصد به درجه سرهنگ دومی و ۱ تا ۱/۵ درصد به درجه سرهنگ تمامی می رسند. تعداد کمی به درجه امیری (تیمساری) نائل می شوند (حدود ۱۲ تا ۱۵ نفر در هر دوره، یعنی چیزی در حدود ۰/۰۰۱ «یک هزارم در صد»).



نمودار ۳-۴ افسران کادر - سیستم آموزش (۱)

۱- گرچه این ترجمه بر اساس متن انگلیسی تهیه شده، اما تصور می رود که جمله «سیستم آموزش افسران کادر» صحیح تر باشد. به هر حال بر اساس اصل امانت داری عین جمله انگلیسی را به فارسی برگردانده ایم که به هر حال حالت صحیح تر آن نیز ذکر شد. «مترجم»

این روش جدید آموزش افسری به تازگی به مورد اجرا در آمده است. بنابراین برای بررسی نتایج آن زمان بیشتری نیاز است. ولی پر واضح است که از دست ندادن و استخدام کسانی که قرار است در درجه ستوان یکمی از ابتدای انتصاب تا بازنشستگی به مدت ۳۵ سال در ارتش باقی بمانند، بسیار مشکل است.

افسران قبل از انتصاب در درجه ستوان دومی در شعبات مدارس مختلف آموزش می‌بینند افسران در طی اولین دوره آکادمی جنگ در "قصر کارلبرگ"^(۱) هستند. آکادمی جنگ در استکهلم قدیمی ترین آکادمی در جهان است که از سال ۱۹۷۲ شروع به کار کرد. قسمت دوم آکادمی جنگ در مدارس رزمی آموزش داده می شود. کالج نیروهای مسلح در استکهلم قرار دارد و کالجی است که تمام خدمات در آن عرضه می شود. یک دانشکده دفاعی نیز برای سرهنگ ها وجود دارد که تمام افسران و افراد عالیرتبه برای اداره شهر در آن آموزش می بینند.

بعد از آموزش فرماندهی دسته، افسران آینده نیروهای احتیاط در یک دوره هشت ماهه آموزش می بینند و در نیروی احتیاط با درجه ستوان یکمی استخدام می شوند. هدف از آموزش آنان نیل به درجه سروانی و فرماندهی گروهان در سازمان جنگ است. تواناترین این افراد می توانند بعد از یک دوره آموزش ویژه در دانشکده ستاد با درجه سرگردی، فرمانده یا جانشین فرمانده گردان شوند.

در سال ۱۹۸۳ اولین افسران زن در ارتش استخدام شدند. زنان می توانند به عنوان افسران کادر یا احتیاط در قسمتهای توپخانه، پدافند هوایی، مهندسی، مخابرات و رسته های فنی استخدام شوند

- آموزش گارد کشوری و آموزش داوطلبانه

همانطور که قبلاً ذکر شد، آموزش گارد کشوری در روزهای تعطیل آخر هفته انجام می پذیرد و اساتید مربوطه از سازمانهای خودشان و یا از هنگ های ارتش یا هنگ های بخش دفاعی تأمین می گردد. این هنگ ها نقش ویژه ای در آموزش کادر کشوری و داوطلبانه دارند. در مدارس رسمی گارد کشوری نیز، فرماندهان آینده رسته و یا بالاتر به

مدت یک یا دو هفته آموزش داده می شوند.

آموزش داوطلبانه، در اصل یک سیستم کمکی برای یگانهای رزمی همراه با فنون و آموزش پیشرفت پرسنل جهت ارتقا درجه آنها است. تعداد سازمانها برای آموزش داوطلبانه ۲۲ سازمان و تعداد اعضا حدود یک میلیون نفر است. بسیاری از سازمانها پرسنل خود را برای مأموریت مستقیم در یگانهای جنگ در ستادهای ویژه دفاع محلی آموزش میدهند. سازمانهایی که برای خدمت کادر ثابت در زمان جنگ قرار دارند عبارتند از:

- سپاه موتورسیکلت سوار داوطلب FMCK

- سازمان رادیوئی داوطلب FRO

- فدراسیون مرکزی سپاه حمل و نقل موتوری زنان سوئد SKBR

- فدراسیون ملی خدمات دفاعی - کمکی زنان سوئد SLK

- صلیب سرخ سوئد SRK

پرسنل زن عمدتاً به امور دفتری، ارتباطات، تدارکات، خدمات پزشکی و رواندگی اتومبیل و کامیون گمارده می شوند. سازمان رادیوئی داوطلب به پرسنل زن خدمات ارتباطی را آموزش می دهد.

سازمان آموزش داوطلبی افسری (با حدود ۴۰/۰۰۰ عضو) هر سال تعداد زیادی از دانشجویان وظیفه و کسانی که می خواهند مهارتهای نظامی خود را تقویت و بهبود بخشند را جذب می کند. بیشتر آموزش در شبها و تعطیلات آخر هفته همراه با گارد کشوری و سایر سازمانهای داوطلب دیگر انجام می پذیرد. دوره های آموزشی سراسری که در آنها از خانواده ها دعوت می شود، در تابستان و زمستان و در بسیاری از مراکز آموزشی در سراسر کشور توسط سازمان آموزش داوطلب افسری اداره می شود؛ انجام می گردد.

سازمان آموزش داوطلب افسران نیز مانند گارد کشور آموزشهای فشرده ای را برای افراد جوان ترتیب می دهد. سازمان رادیوئی داوطلب و سپاه موتورسیکلت سوار داوطلب با سازمان آموزش داوطلب افسران، هماهنگی و همکاری دارد.

- آموزش نظامی سازمان ملل متحد

آموزش نظامی سازمان ملل متحد در مکانهای مختلف اسکاندیناوی در سوئد و در دانشکده آموزشی سازمان ملل متحد در "سو در تالچ" ^(۱) انجام می شود. این آموزش یگانها را برای انجام وظائف سازمان ملل متحد در خارج از کشور آماده می کند تا به عملیات و فعالیتهای صلح جویانه سازمان ملل متحد یاری رسانند. یک نیروی آماده و منتظر دستور معمولاً هر سال در بهار و پائیز به حالت آماده باش در می آیند. این نیرو شامل دو گردان، یگانهای ویژه کمکهای امدادی، ناظران نظامی، افسران سازمان ملل متحد و از این قبیل می باشند. متقاضیان نیروهای اضطراری از بین افسران کادر و وظیفه نیروهای مسلح انتخاب می شوند.

- پیشرفت های آینده در آموزش نظامی ارتش سوئد

نیروهای دفاعی سوئد در حال حاضر در حال یک بازنگری همه جانبه است، این بازنگری، تجزیه و تحلیل ۸۸ نیروهای مسلح نامیده می شود و به دستور دولت به منظور ارزیابی وضعیت اقتصادی نیروهای دفاعی انجام می شود. فرماندهی کل نتایج این بررسی را در پائیز سال ۱۹۸۸ تسلیم دولت کرد. دلیل این بازنگری کاهش مداوم کمکهای بلاعوض به نیروهای مسلح است که در سال ۱۹۷۲ شروع شده بود در طول دهه ۱۹۸۰ در شرائط واقعی تر، این کمکها افزایش یافت. نتیجه گیری این بازنگری هنوز زود است. بسیاری از راههای جایگزینی تازه، بخصوص توسعه مربوط به ارتش تحت بحث و مطالعه هستند. ولی احتمال کاهش کل استعداد فعلی بسیار است.

در رابطه با توسعه آموزش نظامی ارتش و منابع آموزشی دولت لازم است به موارد زیر توجه بیشتری داشته باشد:

- اعمال حداقل یک ماه افزایش دوره آموزش برای پرسنل وظیفه تیب که در طبقه بندی FG قرار گرفته باشند.

- تخصیص منابع بیشتر آموزشی برای ارتقاء کیفیت بالاتر.

- ایجاد یک سیستم بازآموزی، (بصورت دوره های کوتاه مدت ولی با تعداد بیشتر

دوره‌ها).

- توسعه سیستم آموزشی افسران و انطباق واقیته‌ها با اصول اساسی آموزش.

- ایجاد عوامل انگیزش مطلوب برای ثبت نام افسران احتیاط و کادر.

بهر حال بهترین منبع تأمین نیروی انسانی ارتش سوئد، پرسنل وظیفه آن می باشد و به طور کلی می توان گفت در طول ۲۵ سال گذشته و در حقیقت از جنگ جهانی دوم تاکنون کیفیت روحی و اراده آنان در حد وضعیت فعلی نبوده است. بنابراین می توان با اطمینان گفت که توسعه آینده ارتش سوئد باید صرفاً "براساس نیروی انسانی (نیروهای وظیفه) ممکن گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی